

بررسی شکرگزاری و آثار آن در قرآن

شهلا هادی زاده^۱

چکیده

دین اسلام و کتاب قرآن، تأکید بسیار زیادی بر شکر و ثنا دارند. عقل و فطرت انسان هم حکم می‌کند که هر کسی نعمتی برای ما مهیا کرد، لازم است از او شکرگزاری کنیم. اسلام می‌خواهد که انسان در هر شرایطی به توانایی سپاس‌گزاری دست پیدا کند و مهم‌ترین چیزی که بر آن اصرار دارد، این است که در شرایط سخت، این روحیه را داشته باشیم. شکرگزاری، بهترین رابطه بنده با خداوند متعال که خالق او است، می‌باشد. تشکر انسان از خالق خود می‌تواند زمینه‌های مختلف را شامل شود. با توجه به این که خداوند، نعمت‌های زیادی به انسان‌ها داده است، انسان نیز باید از خداوند به خاطر نعمات او شکر کند. درباره اهمیت و آثار سپاس‌گزاری اندازه همین بس که خداوند از انسان‌ها خواسته است تا در برابر نعمت وجود و دیگر نعمت‌های خدادای شکرگزار باشند، با آن - که خداوند موجودی بی‌نیاز پرستش و سپاس است ولی به عنوان وظیفه و تکلیف، از انسان‌ها خواسته است تا شاکر و سپاس‌گزار باشند. از این جا می‌توان پی برد که سپاس و شکرگزاری‌ها چه جایگاه و ارزش و اعتباری در آموزه‌های وحیانی دارد.

کلیدواژه‌ها: شکر، شکرگزاری، نعمت.

۱. سطح دو، مدرسه علمیه کوثر خرمشهر، Shahlaaahdz@gmail.com.

مقدمه

شکر خدا، از مسائلی است که فرهنگ اسلامی بر آن تأکید کرده و در قرآن و روایات به عنوان خصلتی ارزنده و نیک برای انسان‌ها بیان شده، شکرگزاری و سپاس از بابت نعمت‌های الهی است. به نظر می‌رسد که انسان‌ها پس از دریافت نعمت، شکر، به جای آوردن، اما عارفان و اهل معرفت، معتقدند که حتی بلایی که انسان بدان گرفتار می‌شود، جای سپاس دارد و شخصی که به ناراحتی مبتلا شده، خداوند را حمد گوید که از میان بلاهای گوناگون به یکی از آن‌ها گرفتار آمده است.

تاکنون مقالات فراوانی در این زمینه نوشته شده از جمله «شکرگزاری در قرآن» نویسنده زهرا نساجی زواره، که در این تحقیق به صورت گسترده در مورد مفهوم شکر و آیات و روایاتی که در مورد شکرگزاری است پرداخته شده است و فرق این مقاله با آن در این است که به صورت منظم و منسجم در مورد علاوه بر مفهوم شکر و شکرگزاری به انواع شکر و مراتب شکر و همچنین آثار و فواید شکر بیان شده است.

روش تحقیق این مقاله روش نقلی و وحیانی است و روش گردآوری مطالب مقاله کتابخانه‌ای می‌باشد. در این مقاله در صدد آنیم که با توجه به آثار و عواقب شکرگزاری، در مردم انگیزه‌ای برای شکرگزاری ایجاد شود و از جهتی به سفارش و تأکید قرآن و ائمه اطهار (علیهم السلام) جامه عمل - پوشیده شود.

مفهوم شناسی

۱- شکر

شکر در لغت به معنای سپاس‌گزاری کردن، سپاس کسی گفتن بر نیکی و احسان وی،^۱ و در اصطلاح شکر خدا به معنای یادآوری نعمت‌های او و ثناگویی در مقابل نعمت است.^۲ «إِسْتِعْمَالُ الشَّيْءِ فِيمَا خَلَقَ اللَّهُ لَأَجَلِهِ» به کار بردن شیء در راهی که به خاطر آن آفریده شده است.^۳

۱. معین، لغت نامه، ج ۱، ص ۹۴۶.

۲. قرشی بنابی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۶۳.

۳. مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۳، ص ۱۴.

۲- شکرگزاری

در لغت به معنای ثناگویی است و در اصطلاح به معنای سپاس نعمت و احسان کسی را گفتن می‌باشد.^۱ شکرگزاری، فرآیندی است که ما به واسطه‌ی آن، از نعمت‌های بی‌کران پروردگار قدردانی کنیم.^۲

۳- نعمت

نعمت در لغت به معنای فراخی و آسایش در زندگی، عطا، بخشش، احسان، و در اصطلاح، آن-چه باعث خوشی و شادکامی شخص باشد.^۳

اهمیت و مفهوم شکر

ثناگویی در برابر نعمت و بخشش را شکر گویند.^۴ «شکر» کلمه‌ای است که در قرآن زیاد با آن برخورد داریم. معنی شکر، این است که انسان در مقابل فردی که از او خیری به وی رسیده است، اظهار قدردانی کند و مثلاً بگوید: «من ممنون هستم.» آیا معنی شکر خدا، همین است که بگوییم: «الهی شکر؟» نه، اشتباه است. «الهی شکر» صیغه‌ی شکر است نه خود شکر. چیز دیگری است. مثل این که کلمه‌ی «اَسْتَغْفِرُ الله» صیغه‌ی توبه است نه خود توبه. توبه، پشیمانی از گناه و تصمیم به عدم تکرار است. اظهار «إِلَهِی اَسْتَغْفِرُکَ وَ اَتُوبُ اِلَیْکَ» [اظهار صیغه توبه است نه خود توبه]. پس شکر، یک معنی دقیقی دارد و آن عبارت است از قدردانی، حق شناسی. لهذا شکر، هم درباره‌ی بنده نسبت به خدا و هم درباره‌ی خدا نسبت به بنده به کار می‌رود. «وَ اللهُ شُکُورٌ حَلِیمٌ»^۵. خدا شکور است یعنی او طاعت بندگان را قدرشناس است.

هر طاعتی که بنده می‌کند حقی دارد، خدا اجر بنده‌اش را ضایع نمی‌گرداند، یعنی از عمل بنده قدردانی می‌کند، آن را از بین نمی‌برد.

در تعریف «شکر» چنین گفته‌اند: «اِسْتِعْمَالُ الشَّیْءِ فِیْمَا خَلَقَ اللهُ لِاَجَلِهِ» به کار بردن شیء در راهی که به خاطر آن آفریده شده است. آیا شکر مثلاً چشم که خدا به ما داده این است که بگوییم:

۱. معین، لغت نامه، ج ۱، ص ۹۴۸.

۲. Razekaenatart.com، «۵ آیه راجب شکرگزاری».

۳. معین، لغت نامه، ج ۲، ص ۱۹۵۲.

۴. نساجی زواره، «شکرگزاری در قرآن»، نشریه پاسدار اسلام، ش ۲۷۴، ۱۳۸۳ ش.

۵. سوره تغابن: آیه ۱۷.

خدایا شکر که به من چشم دادی؟ نه. عقل، فکر، عاطفه، احساسات، فرزند، مال، سلامت و هر نعمتی که داری، اگر این نعمت را از مسیر خودش منحرف نکنی و در مسیر دیگر استفاده نکنی، شاکری. مثلاً زبان را خداوند عبث نیافریده است. با این زبان می‌شود حقایق را قلب کرد، دروغ گفت، به مردم آزار رسانید، دشنام داد، بدی‌های مردم را پخش کرد، اشاعه‌ی فحشا کرد، جعل کرد، ولی واقعاً باید حساب کنیم آیا دست خلقت زبان را برای همین به ما داده: تهمت، غیبت، دشنام؟ یا این که مقاصد خود را به دیگران بفهمانیم. فهماندن مقاصد خود به دیگران، تعلیم، ارشاد، نصیحت، شکر زبان است. پس باید همیشه نعمت‌ها را در راه خودش مصرف کرد. مثلاً فکر و اندیشه‌ی صدی هشتاد مردم در راه شیطنتها صرف می‌شود در حالی که می‌توان در راه علم و دانش و خیر و صلاح مردم به کار برد.^۱

در راه وصول به چنین مقام والا، نخستین معرفتی که نصیب انسان می‌گردد، این است که اولاً می‌فهمد که به هیچ وجه از خالق هستی و فیض بخش کائنات، طلب‌کار نیست که در نتیجه آنچه را که در این زندگانی به دست می‌آورد، یک ضرورتی باشد که خداوند مجبور است آن را به مخلوقات خود بدهد؟

چنین معرفت است که فیض بودن هستی را برای انسان، قابل درک می‌سازد. یک نتیجه بسیار بااهمیت که از این درک حاصل می‌شود، طراوت و انبساط و سرور درونی است که با غوطه‌ور شدن در مصائب و ناگواری‌های حیات طبیعی هرگز مختل نمی‌گردد ...

هر نعمتی شایسته شکری است که برای برآمدن از عهده حق آن نعمت، بایستی آن را به جای آورد و خود این توجه و آگاهی تدریجاً می‌تواند اراده شکرگزاری را تحریک نموده و این کمال را نصیب انسان سازد.^۲

شکر در قرآن و منابع اسلامی

شکرگزاری به درگاه الهی از مهم‌ترین خصوصیات انسان است. گرچه نعمت‌ها و فضل پروردگار بسیار زیاد می‌باشد و قابل احصاء نیست؛ اما همین معرفت و شناخت که بشر بداند از شکر الهی عاجز است، مقدمه‌ای بر رویش این فرهنگ در وجود او خواهد بود. به قول شاعر:

فضل خدای را که تواند شمار کرد یا کیست آن که شکر یکی در هزار کرد

۱. مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۳، ص ۱۴-۱۵.

۲. نساجی زواره، «شکرگزاری در قرآن»، نشریه پاسدار اسلام، ش ۲۷۴، ۱۳۸۳ ش.

قرآن درباره حضرت ابراهیم می‌فرماید: «شَاكِرًا لِّأَنْعُمِهِ وَ هَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۱؛ همچنین وقتی که حضرت ابراهیم، هاجر و اسماعیل را در سرزمین بی‌آب و علف مکه قرار داد، با خداوند راز و نیاز کرد که: «ای پروردگار ما! برخی از فرزندانم را به وادی بی‌آب و علف نزدیک خانه‌ی گرمی تو جای دادم تا نماز بگذارند. پس ای خداوند متعال، دل‌های مردمان را چنان کن که به سوی آن‌ها میل کنند و از هر ثمره‌ای روزیشان ده! باشند که سپاس گزارند.»^۲

در این آیه که ترجمه آن گذشت، حضرت ابراهیم در دعای خویش بر شکر و سپاس‌گزاری بر نعمت‌های الهی تأکید می‌ورزد.

همان‌گونه که یادآوری نعمت و اظهار آن را شکر گویند، فراموش نمودن نعمت و غفلت از آن و تفکر نکردن در خصوص منعم، خود، کتمان حقیقتی است که معادل کفر، محسوب می‌شود.^۳ قرآن کریم در صدد است که انسان‌ها، ناسپاس و کفران‌گر نباشند، بلکه می‌خواهد بندگان شاکر، تربیت نماید، شکر، شناخت احسان و نشر آن و به تعبیر دیگر، تصور نعمت و اظهار آن است. حقیقت شکر، اظهار نعمت است، هم چنان که کفر، مقابل آن است؛ یعنی پنهان کردن نعمت و سرپوش روی آن نهادن است، و اظهار نعمت به این معنا است که آن را در جای خود استعمال کنی، آن جایی که دهنده نعمت در نظر داشته و نیز اظهار نعمت به این است که آن را به زبان بیاوری، و منعم را در برابر دادن این نعمت، ثنا بگویی و مرحله دیگر اظهار نعمت این است که در قلب هم به یاد آن و به یاد منعمش باشی و از یادش نبری.

بنابراین، استفاده از نعمت‌های خداوند، اگر به انگیزه شکر باشد، علاوه بر ارزش مادی آن، در تأمین نیازهای جسمی انسان، دارای ارزش مثبت اخلاقی و معنوی نیز خواهد بود و کمال معنوی انسان را به همراه خواهد آورد.

رهبر در دیدار با نمایندگان مجلس این‌گونه بیان نمود: «این شکر، چیز خیلی مهمی است. احساس این‌که نعمت از خداست، مشکلات را برطرف می‌کند، غرور و تفاخر به خاطر نعمت را از انسان می‌گیرد و انسان احساس می‌کند که هیچ‌کاره است و آن‌چه که هست، متعلق به ذات مقدس پروردگار است.»^۴

۱. سوره نحل: آیه ۱۲۱.

۲. سوره ابراهیم: آیه ۳۷.

۳. نساجی زواره، «شکرگزاری در قرآن»، نشریه پاسدار اسلام، ش ۲۷۴، ۱۳۸۳ ش.

۴. خامنه‌ای، بیانات رهبر در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۷/۳/۷.

است. خداوند می‌گوید: «كَلَّا»^۱، این تحلیل درست نیست، می‌دانی چرا از تو گرفتم؟ پارسال به تو دادم، به فقرا ندادی، امسال از تو گرفتم: «بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ»^۲، پارسال که باغت میوه داشت، چندتا جعبه از این میوه‌ها را به فقرا دادی؟ به یتیم‌ها ندادی، «وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ»^۳؛ به مسکین هم ندادی، «وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا» ارث را خوردید و نگفتید حلال است یا حرام. «وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا»، خیلی علاقه افراطی به مال داشتید، دنیاگرایی، بی‌اعتنایی به یتیم، بی‌اعتنایی به مسکین، باعث شد که امسال گرفتیم. یعنی اگر کفران نعمت کنیم، خدا می‌گیرد.

امام علی (علیه السلام) فرمود: «زَوَالُ النِّعَمِ بِمَنْعِ حَقِّهِ مِنَ اللَّهِ مِنْهَا وَ التَّقْصِيرُ فِي شُكْرِهَا»^۴

چرا نعمت‌هایتان را گرفتم؟ استفاده نکردید، طبیعی هم هست، به شما نسیه دادم، بردی، خوردی، دیگر نسیه قبولت ندارند، آن بنده خدا نسیه کرد، به وعده وفا کرد، روز به روز اعتبارش در بازار زیاد شد، تو بردی و خوردی، اعتبارت از دست رفت. دست خودت است. همه‌ی مشکلات دست خودمان است. عیب‌هایتان را گردن خدا نیندازید، شکر کنی، بهت می‌دهند، شکر نکنی، بهت نمی‌دهند.^۵

۲- زوال عقل

در روایت داریم که: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِزَالَهَ نِعْمَةٍ عَنْ عَبْدٍ، كَانَ أَوَّلَ مَا يُغَيِّرُ مِنْهُ عَقْلَهُ»؛ اگر کسی شکر نعمت نکند، خدا تدبیر و عقلش را از او می‌گیرد، یعنی کله‌اش کار نمی‌کند، قاطی می‌کند، اول عقلش را می‌گیرد.^۶

۱. همان سوره، آیه ۱۷.

۲. همان.

۳. همان سوره: آیه ۲۰.

۴. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۹۲.

۵. قرائتی، سخنرانی با موضوع «شکر خدا، عامل دوام نعمت‌ها»، ۱۴۰۰/۶/۲۵.

۶. تمیمی آمدی، همان، ص ۲۹۰.

۷. قرائتی، سخنرانی، همان.

۳- ورود به جهنم

قرآن می‌فرماید: «بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا»^۱؛ کسانی که نعمت خدا را تبدیل کنند. نعمت خدا را به آن‌ها می‌دهیم، این‌ها نعمت خدا را قدردانی نمی‌کنند، بعد می‌فرماید: «أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ * جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا»^۲ اقامت در جهنم برای کسانی است که شکر نمی‌کنند.^۳

۴- تهدید

آیه‌ای دیگر دارد می‌گوید خدا این‌ها را تهدید می‌کند: «لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ»^۴؛ چون شما کفران نعمت کردید [به آن‌چه خدا به شما داده است]، کامیابی کنید، چند روز دیگر جان شما را هم می‌گیرند، در آینده خواهید دید. یعنی تهدید، پشتش است.^۵

۵- فشار قبر

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ضَغْطَةُ الْقَبْرِ لِلْمُؤْمِنِ كَفَّارَةٌ لِمَا كَانَ مِنْهُ مِنْ تَضْيِيعِ النَّعْمِ»؛ فشار قبر برای چه کسانی است؟ امام فرمود: «فشار قبر برای کسانی است که خدا به آن‌ها نعمت می‌دهد، ولی این‌ها شکر نمی‌کنند.» یعنی شکر نکردن، فشار قبر دارد، شکر نکردن، نعمت‌ها زایل می‌شود.

نتیجه گیری

عنوان مقاله «بررسی شکرگزاری در قرآن» می‌باشد. در این مقاله به این نتیجه رسیدیم که اسلام می‌خواهد افراد به درجه‌ای از یقین برسند که در هر حالی اعم از آرامش و یا روی آوردن مصائب، شکر خدا را به جای آورند. بنده اگر بخواهد قدرشناس و شاکر باشد باید قدر نعمت‌های خدا را بداند، یعنی هر نعمتی را بداند برای چه هدف و منظوری است و در همان مورد مصرف کند. از آن‌هایی که واسطه‌ی نعمت هستند تقدیر و تشکر نیز لازم است. افزون بر شکرگزاری از خدا و شکرگزاری از افراد که واسطه نعمت هستند، باید شکرگزار خود نعمت‌ها هم باشیم. چه بسا اگر این نعمت نبود، ممکن بود بلایی سر ما بیاید و حتی بر اتفاقات ناگوار باید خدا را شاکر باشیم؛ چراکه ممکن بود از آن بدتر سر ما بیاید.

۱. سوره ابراهیم: آیه ۲۸.

۲. همان سوره: آیه ۲۸ و ۲۹.

۳. قرائتی، سخنرانی، همان.

۴. سوره نحل: آیه ۵۵.

۵. قرائتی، سخنرانی با موضوع «شکر خدا، عامل دوام نعمت‌ها»، ۱۴۰۰/۶/۲۵.

شکر خدا، یعنی نعمت خدا را در جایی استفاده کنیم که او دوست دارد. شکر و سپاس، یکی از عالی‌ترین عوامل سازنده روح انسانی است. آغاز چنین معرفت و عمل، آغاز تکامل انسانی و برقراری یک ارتباط معقول میان او و جهان هستی و هم‌نوعان خویش می‌باشد.

شکر آثاری دارد که در قرآن و روایات فراوان از آن یاد شده است از جمله ازدیاد و تداوم نعمت، تکامل روحی، خداوند شاکر انسان شکرگزار خواهد بود و ... همچنین در مقابل ناسپاسی نیز آثاری دارد که دامن‌گیر انسان ناسپاس می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن مجید

* نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد، **عیون اخبار الرضا (علیه السلام)**، مترجم: محمد صالح روغنی قزوینی، چاپ سوم، ج ۲، قم: کتاب جمکران، ۱۳۹۳ ه.ش.
۲. جالو، زهرا، **آشنایی با قرآن از منظر شش عالم و مفسر معاصر**، تهران: مهرگان مبین، ۱۳۹۹ ه.ش.
۳. طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ه.ق.
۴. _____، **ترجمه تفسیر المیزان**، مترجم: محمد باقر موسوی، ج ۱۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۵. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ه.ش.
۶. قرشی بنابی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، چاپ ششم، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ه.ش.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول الکافی**، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ج ۲، ۱۴۰۷ ق.
۸. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، قم: انتشارات دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۵ ه.ش.
۹. مطهری، مرتضی، **آشنایی با قرآن**، ج ۳، تهران: صدرا، ۱۳۹۶ ه.ش.
۱۰. معین، محمد، **فرهنگ فارسی معین**، ج ۱ و ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰ ه.ش.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ج ۲، ۱۳۷۱ ه.ش.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، **غرر الحکم و درر الکلم**، قم: دارالکتب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق. و انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ه.ش.
۱۳. نساجی زواره، زهرا، **«شکرگزاری در قرآن»**، نشریه پاسدار اسلام، ش ۲۷۴، ۱۳۸۳ ه.ش.

۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات رهبر در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۷/۳/۷.
۱۵. قرائتی، محسن، سخنرانی با موضوع «شکر خدا، عامل دوام نعمت‌ها»، ۱۴۰۰/۶/۲۵.
۱۶. Fazellankarani.com، «شکر و آثار آن».
۱۷. Imanoor.com، میرباقری، سید محسن، «اهمیت خانواده در قرآن».
۱۸. [https:// Razekaenatart.com](https://Razekaenatart.com)، «۵ آیه راجب شکرگزاری».